

وین دایر

ما

برای چه به این دنیا آمده‌ایم؟

برگردان

توراندخت تمدن (مالکی)

نشر البرز

تهران - ۱۳۸۶

این کتاب برگردانی است از:

INSPIRATION
YOUR ULTIMATE CALLING

by

Dr. Wayne W. Dyer

Hay House, Inc - 2006

سرشناسه	: دایر، وین، ۱۹۴۰ - م. Dyer, Wayne W
عنوان و پدیدآور	: ما برای چه به این دنیا آمده‌ایم؟ / وین دایر؛ برگردان توراندخت تمدن (مالکی)
مشخصات نشر	: تهران: البرز، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۴ ص.
شابک	: ISBN 964 - 442 - 513 - 8
یادداشت	: عنوان اصلی: Inspiration: your ultimate calling, c. 2006
موضوع	: زندگی معنوی
موضوع	: الهام - جنبه‌های معنوی
موضوع	: ابراز وجود - جنبه‌های مذهبی
شناسه افزوده	: تمدن، توراندخت (مالکی)، ۱۳۱۸ - مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۵ م ۲ / ۲۴ د / ۶۲۴ BL
رده‌بندی دیوئی	: ۲۰۴ / ۴
شماره کتابخانه ملی	: ۸۵ - ۲۳۵۰۸ م

♦ حروفچین: فاطمه یوسفی

♦ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

♦ چاپ: چاپخانه آسمان

♦ ویراستار و امور فنی: اصغر اندرودی

♦ چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶

♦ لیتوگرافی: لیتوگرافی صحیفه نور

♦ حق چاپ برای نشر البرز محفوظ است.

♦ نشر البرز: خیابان دکتر بهشتی، بین چهارراه اندیشه و سهروردی، ساختمان شماره ۶۴ تلفن و نمابر:

۸۸۴۱۷۴۴۶ - ۸۸۴۰۵۱۸۲

♦ مرکز توزیع: بخش البرز - تلفن: ۸۸۴۵۲۷۴۹ - ۸۸۴۵۵۶۰۹

♦ ALBORZ_PUBLICATION@YAHOO.COM

ISBN 964 - 442 - 513 - 8

♦ شابک: ۸ - ۵۱۳ - ۴۴۲ - ۹۶۴

فهرست

پیشگفتار مترجم	۳
بخش اول - الهام جویی - در حضور حق زیستن	
فصل اول - در حضور حق زندگی کنید	۱۱
فصل دوم - زندگی پیش از ورود به جسم خاکی	۲۷
فصل سوم - چرا هویت صددرد صدریانی خود را رها کردیم؟	۴۱
فصل چهارم - بازگشت به حق چه احساسی در شما پدیدار می‌سازد؟	۵۷
فصل پنجم - چگونه راه خود را به سوی حق پیدا کنید؟	۷۷

بخش دوم - اصول و مبانی الهام بخشی

- فصل ششم - اصول اولیه برای پیدا کردن راهی که ۹۵
- فصل هفتم - ندای درون و اهمیت و ارزش شما ۱۱۳
- فصل هشتم - ارتباط با حس کار ساده ای است ۱۲۹
- فصل نهم - هیچ چیز قدرتمندتر از عقیده ای نیست که ۱۴۹
- فصل دهم - جذب پیامهای ربانی دیگران ۱۷۱
- فصل یازدهم - منبع الهام بخشی دیگران بودن ۱۹۳
- فصل دوازدهم - خود را فراسوی انرژی معمولی و ۲۱۱
- فصل سیزدهم - الهام بخشی را به فعل درآوردن ۲۳۵
- فصل چهاردهم - منبع هستی تغییرناپذیر است ۲۵۵
- فصل پانزدهم - خداوند عالم و حکیم است ۲۶۹
- فصل شانزدهم - موضوع اصلی به خاطر آوردن است ۲۸۳
- فصل هفدهم - ندای حق ۲۹۹
- فصل هجدهم - زمانی که در ارتباط با حق هستیم ۳۱۹

بزرگ‌ترین دانشی که بشر می‌تواند به دست آورد آرزو برای
صلح و پیوند اراده او با اراده قادر مطلق، اراده انسانی او با اراده
پروردگار است.

آلبرت شوابتز

همه درختان و گیاهان در حال ستایش حق بودند؛ آنچه در نظر
بیننده عادی سکون و بی‌حرکتی می‌نمود.

مولانا جلال‌الدین رومی

پروردگارا شوکت و افتخاری را نصیبم ساز که حتی پیش از
آغاز زندگی با تو داشتم.

عیسای ناصری

پیشگفتار مترجم

از ترجمه کلمه به کلمه کتاب حاضر لذت بردم؛ چون مطالب مطرح شده در آن و رهنمودها را به طور کامل در تجانس و هماهنگی با خواسته‌های درونی و باطنی‌ام یافت‌م. ترجمه این کتاب را توفیقی الهی تلقی می‌کنم و با تمام وجود سپاسگزار آن هستم.

همان‌طور که خود نویسنده ادعا دارد، آنچه در این کتاب ارائه می‌شود آگاهی از این مهم است که همه ما این توانایی را داریم که در هر لحظه از زندگی در ارتباط مستقیم با حق باشیم؛ و این معنی واقعی زندگی است. نویسنده عقیده دارد که عالم هستی عالمی هوشمند و هدفمند است؛ همین‌طور هم انسانهای ساکن آن، و اینکه هر کدام از ما به دلیل خاص و برای تحقق هدف و مقصودی ویژه به دنیا آمده‌ایم. نویسنده عقیده دارد که او به دنیا آمده است تا نفرت را با عشق جایگزین کند و شفقت، محبت و ایثار را به انسانها بیاموزد و بر ضد ظلمها و شکنجه‌هایی که بشر تحمل کرده است راه دوستی و مهربانی را به او

نشان دهد. ما پیش از ورود به عالم هستی می‌دانستیم که برای تحقق هدف خاصی به دنیا می‌آییم، پس دلیلی ندارد که اطرافیان را مسئول مسائل و بدبختیهای خود بدانیم. چون ما جسم مادی و پدر و مادری را که برای این سفر به آنها نیاز داشتیم، خودمان، با توافق حق، انتخاب کردیم. ارتباط با حق توفیقی است که ما در لحظه به لحظه زندگی می‌توانیم از آن برخوردار باشیم و علت دور ماندن و دور شدن از اصل و جوهر ذاتی‌مان این است که از ابتدای کودکی به ما آموزش داده می‌شود که به دنیای مادی، جایی که نفس مهم‌ترین و بالاترین نقش را دارد و وحی و الهام کوچک‌ترین جایی ندارد، باور داشته باشیم. هدف نویسنده در سراسر کتاب این است که به خواننده بقبولاند او وجودی ربانی است که از خدا آمده است و به خدا برمی‌گردد و به طور کامل از نفس و متعلقات آن جداست.

مقدمه

عاشق و شیفته الهام گرفتن هستم، و اطمینان دارم تصور برخورداری از زندگی ای الهام بخش را شما نیز دارید. این کتاب را با این فکر بی بدیل به رشته تحریر درآوردم که آنچه را در مورد این مفهوم شگفت انگیز آموختم، به شما نشان دهم.

نوشتن این کتاب برای من تجربه ای متعالی بوده است. به مدت چندین ماه متوالی، هر روز در حدود ساعت ۳:۳۰ بامداد از خواب برمی خاستم و پس از درددل و راز و نیازی محرمانه با خداوند، برای نوشتن آماده می شدم. هر کلمه این کتاب الهامی است که به من رسیده. دستم را اغلب بر روی میز می گذاشتم و اجازه می دادم عقاید از دنیای نا آشکار روح وارد قلبم و از آنجا بر روی صفحه جاری شود. از ژرفای درون می دانم آنچه به رشته تحریر آمده متعلق به من نیست - من تنها وسیله ای هستم که توسط او این عقاید بیان می شوند. به این فرایند ایمان و اطمینان دارم تا زمانی که رشته پیوند به حق گسسته نشده

باشد، عمل می‌کند. اطمینان کامل دارم که این عقاید برای شما هم موثر و مفید خواهند بود.

این شخصی‌ترین کتابی است که در ظرف سی و پنج سال نویسندگی‌ام نوشته‌ام. سعی کرده‌ام نمونه‌هایی از زندگی شخصی‌ام را برای شما بیاورم منظورم نمونه‌هایی است که شخصاً از سر گذرانده‌ام. ماهیت شخصی این کتاب به عمد انتخاب شد. پس از شروع کتاب این را کشف کردم که برای نوشتن در مورد موضوع عمیقاً حس شده‌ای نظیر الهام، لازم بود آنچه را واقعاً ممکن می‌دیدم، به خواننده منتقل سازم. همان‌طور که فردی معمولی با شنیدن توصیف آناناس از شخص دیگری نمی‌تواند طعم آن را حدس بزند، اگر شخصاً با تجربه ندای درون آشنایی نداشته‌م، قادر نبودم صرفاً با آوردن موردهای دیگران، آشنایی خود را با این تجربه منتقل سازم. با بیان آنچه در درون قلبم می‌گذرد، موفق شده‌ام طعم به یاد ماندنی ندای درون را اینجا و در این صفحات زنده نگاه دارم. (راستی، هنگام نوشتن صفحات پایانی این کتاب برخورد بی‌بدیل و رمزگونه‌ای با یکی از شکننده‌ترین مخلوقات عالم آفرینش داشتم. در فصل آخر کتاب این تجربه شگفت‌انگیز را توصیف کرده‌ام. همراه با این مژده که چنانچه بصیرت‌های ارائه شده در طول این کتاب را به کار ببرید زندگی شما چه رنگ و شکلی پیدا خواهد کرد.)

به این مسئله نیز آگاهی کامل دارم که در سراسر کتاب موضوعی را به کرات تکرار کرده‌ام. تصمیم دارم این جمله را حذف نکنم چون این کتاب را وسیله‌ای می‌دانم برای آنکه شما را به جایی برساند که حضور حق کاملاً برای‌تان قابل فهم باشد. شما از خداوند می‌آیید و برای آنکه از آفرینش الهام بگیرید، لازم است بیشتر شبیه آن چیزی شوید که از آنجا آمده‌اید. باید خداگونه زندگی کنید.

یکی از استادان و قصه‌گویان مورد علاقه‌ام، آنتونی دُو ملو^۱ کشیش کاتولیکی بود که در هند زندگی می‌کرد. او قدرت داشت مسائل پیچیده فلسفی را به صورت ساده و فهمیدنی درآورد و در قالب داستان بیان کند. در زیر داستانی کوتاه آمده از کتاب **قلب بصیرت یافته**، که در آن پدر ملو چیزی را به طور خلاصه برای شما بیان می‌کند که دوست دارم در طول این کتاب در مورد در حضور حق بودن بیان کنم.

زاهد زانو زد تا به شاگردی پذیرفته شود. رهبر مذهبی دعای مقدس را در گوش شاگرد خود خواند و به او اخطار کرد به کسی نگوید.
زاهد پرسید: «چه اتفاقی می‌افتد اگر آن را برای کس دیگری بازگو کنم؟»

رهبر مذهبی گفت: «کسی که دعا به او گفته می‌شود، از بند نادانی و رنج‌رهای می‌یابد؛ ولی تو با افشا کردن دعا از شاگردی حذف و به لعنت خدا دچار می‌شوی.»

زاهد به محض شنیدن این حرف با عجله خود را به بازار رساند، شمار فراوانی از مردم را دور خود جمع کرد و دعای مقدس را برای آنان بازگو کرد.

شاگردان بعداً این خبر را به گوش رهبر مذهبی رساندند و از او خواستند شاگرد را از دیر بیرون کند، چون نافرمانی کرده است.

رهبر مذهبی خنده‌ای کرد و گفت: «او نیازی به آموخته‌های من ندارد. رفتار او نشان داد که او یک رهبر مذهبی به معنی واقعی خواهد شد.»



با ادامه غور کردن بیشتر در کتاب، مطالب گفته شده در داستان برای شما آشکار و آشکارتر می‌گردد. شما ارتباطی عمیق با حق دارید. محتویات این کتاب در همین حالا و اکنون برای شما کاربرد خواهد داشت؛ وگرنه این کلمات را در لحظه کنونی مطالعه نمی‌کردید. قویاً از شما می‌خواهم از این فراخوانی استقبال کنید تا به نعمت و برکاتی که به سبب داشتن زندگی متصل به حق دارید، بهره‌مند شوید.

در حضور حق

وین دایر